



پیشگیری

از بزرگساری نوجوانان (۱)

نماید.

لوپوزری (۱) که مدتها رئیس شعبه دفاع اجتماعی سازمان ملل متحد بوده است شکست قطعی تربیت فعلی درمان صغار بزهکار را با قاطعیت تمام اعلام داشته است.

چنین وضعی ایجاب میکند که آنرا در پرتو گزارش «سوکمیته بزهکاری نوجوانان کمیته اروپائی مسائل جنائی» *سورد بررسی قرار دهیم. این سند زیر عنوان «چند جنبه بزهکاری نوجوانان پس از جنگ دو دوازده کشور اروپائیی» تنظیم شد و در کنفرانس استراسبورگ ۹ مه ۱۹۶۰ عرضه گردید. گزارش سربسوط به کشورهای : اتریش ، بلژیک ، دانمارک ، فرانسه ، یونان ، ایتالیا ،

مسأله پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، امروزه از گذرگاههای متعدد ، در تمام جوامع ، مورد توجه است : با اینکه به تکمیل مداوم ترتیب درمان صغار همت می‌گذارند و سعی بلیغ در این راه به کار می‌پیرند ، متأسفانه گسترش جرائم ارتكابی به وسیله نوجوانان و ظهور رفتارهای نوین ضد اجتماعی آنان موجب نگرانی روز افزون متخصصان و عامه مردم جهان است .

در این شرایط و اوضاع . منظور اصلی و گرایش کلی در این است که پیوندی بین این دو جنبش به وجود آید : «ساعسی متخصصان» افزایش «بزهکاری نوجوانان» را متوقف سازد و موجبات کاهش آنرا فراهم

این افزایش اضطراب آور شد زیرا در ظرف شش سال رقم بزهکاری نوجوان دو برابر شده است .

تعداد بزهکاران	سال	تعداد بزهکاران	سال
۳۰۸۲۹	۱۹۶۱	۱۵۴۰۶	۱۹۵۵
۳۵۹۷۴	۱۹۶۲	۱۶۴۶۸	۱۹۵۶
۳۸۴۷۲	۱۹۶۳	۱۷۸۶۳	۱۹۵۷
۴۲۵۷۰	۱۹۶۴	۲۰۹۸۴	۱۹۵۸
۴۳۷۶۹	۱۹۶۵	۲۱۸۵۰	۱۹۵۹
		۲۶۸۹۴	۱۹۶۰

(سطر اول جدول مقابل : تعداد بزهکاران از ۱۵۴۰۶ در سال ۱۹۵۵ به ۳۰۸۲۹ نفر در سال ۱۹۶۱ رسید) این افزایش تنها مربوط به افزایش جمعیت که از سال ۱۹۴۵ به بعد پدید آمده نمیباشد بی گمان افزایش جمعیت ، افزایش بزهکاری را در پی دارد ، اما هر سال این افزایش در گروه سنی ۱۰ تا ۱۸ ساله خیلی سریعتر از افزایش مجموع جمعیت این گروه سنی صورت میگیرد : نرخ افزایش جمعیت گروه سنی ۱۰ تا ۱۸ ساله به سال ۱۹۵۸ به ۴/۰۳ در هزار رسیده بود و حال آنکه در سال ۱۹۵۴ برابر ۳/۰۷ در هزار بوده است . نرخ افزایش جمعیت پسران ۱۶ تا ۱۸ ساله در سال ۱۹۵۴ برابر ۹/۲۷ در هزار بوده و به سال ۱۹۵۸ به ۱۵/۲ در هزار رسیده است .

آقای پی ناتل در چاپ سوم کتاب «جرم-شناسی» به سال ۱۹۷۵ افزایش جرائم صغار زیر ۱۸ سال مربوط به کشور فرانسه را در صفحات ۲۴۶ و ۲۴۷ طبق جدول مقابل آورده است و اضافه نمود که از آن پس (پس از سال ۱۹۶۹) کاهش خفیفی در تعداد بزهکاران زیر ۱۸ سال پدیدار گردید زیرا در سال ۱۹۷۰ به ۴۶۷۷۹ نفر و در سال ۱۹۷۱ به ۴۵۴۶۲ نفر رسید . و بنا به گزارش همین

نروژ ، هلند ، جمهوری فدرال آلمان ، انگلستان ، سوئد و ترکیه بوده است .

تحول تازه در بزهکاری نوجوانان اروپائی - بزهکاری نوجوانان از نظر کمی و کیفی موجب نگرانی روز افزون است . کمیته اروپائی ، آماری برای مقایسه عرضه نکرده است زیرا حتی در اروپا مفهوم بزهکاری نوجوانان از کشوری به کشور دیگر تغییر مییابد . کمیته پس از بررسیهای خود به ذکر این نکته اکتفا کرده است که یک گرایش کلی در تغییرات و افزایش جرایم نوجوانان پدید آمده است .

در فرانسه ، بررسی مشروح آمارها به وسیله آقای شازال ، سیر صعودی جراثیم نوجوانان را نشان میدهد .

طبق این جدول رقم بزهکاری نوجوانان ، در طی جنگ ، نسبت به سال ۱۹۳۹ تا سه برابر افزایش یافته است . از آغاز سال ۱۹۴۹ سیر نزولی خود را آغاز کرده است بدون اینکه به سطح سال ۱۹۳۹ برسد و این سیر نزولی تا سال ۱۹۵۴ ادامه داشته است . (۲)

سال	تعداد بزهکاران	سال	تعداد بزهکاران
۱۹۳۹	۱۲۱۶۵	۱۹۴۷	۲۶۸۴۱
۱۹۴۰	۱۶۹۳۷	۱۹۴۸	۲۷۶۳۸
۱۹۴۱	۳۲۳۲۷	۱۹۴۹	۲۲۷۶۱
۱۹۴۲	۳۴۷۸۱	۱۹۵۰	۱۹۲۳۹
۱۹۴۳	۳۴۱۲۷	۱۹۵۱	۱۶۲۶۱
۱۹۴۴	۲۳۳۸۴	۱۹۵۲	۱۵۸۲۳
۱۹۴۵	۱۷۵۷۸	۱۹۵۳	۱۵۳۵۲
۱۹۴۶	۲۸۵۶۸	۱۹۵۴	۱۴۸۳۳

در مقابل از آغاز سال ۱۹۵۵ رقم بزهکاری نوجوانان از نو افزایش مییابد . (۳)

محقق ، این خطر و تغییرات در مورد افراد زیر سن ۲۱ که در خطر هستند به چشم میخورد :

۲۸۰۰۹ نفر به سال ۱۹۵۴-۲۸۶۵۶

نفر به سال ۱۹۵۵ - ۳۰۱۹۰ نفر به سال

۱۹۵۶ - ۳۱۸۱۲ نفر به سال ۱۹۵۷ -

۳۶۱۷۵ نفر به سال ۱۹۵۸

سال	تعداد پژوهکاران	سال	تعداد پژوهکاران
۱۹۵۴	۱۳۵۰۴	۱۹۶۱	۳۰۸۲۹
۱۹۵۵	۱۳۹۷۵	۱۹۶۲	۳۷۹۷۴
۱۹۵۶	۱۴۷۷۸	۱۹۶۳	۳۸۴۷۲
۱۹۵۷	۱۶۳۶۶	۱۹۶۴	۴۲۵۷۰
۱۹۵۸	۱۸۹۰۰	۱۹۶۹	۴۷۴۲۷



ولی پس از آن در این رشد سریع توقیفی
 پدیدارگشت و به سال ۱۹۶۱ به ۲۸۷۹۷ نفر
 تنزل یافت اما مجدداً رشد آن از سر گرفته شد و
 در سال ۱۹۶۲ به ۳۲۷۱۷ نفر و در سال ۱۹۶۳
 به ۳۶۶۸۰ نفر و در سال ۱۹۶۴ به ۳۸۲۸۰
 نفر رسید از آن پس افزایش جرائم قطع نگردید
 زیرا در سال ۱۹۶۵ به ۴۰۴۵۰ و در سال ۱۹۷۰
 به ۶۱۳۹۲ و در سال ۱۹۷۱ به ۶۴۹۷۰ رسید
 باید خاطر نشان کرد که در این افزایش اجرای
 قانون مصوب ۲۳ دسامبر ۱۹۵۸ درباره
 تشخیص حالت خطرناک که به موجب قانون
 ژوئن ۱۹۷۰ تغییر یافته بی اثر نبوده است زیرا
 طبق قانون اخیر معیار تشخیص «خطر» وسیعتر
 گردیده است. پرفسور استفانی و همکاران ایشان
 در صفحه ۶۷۴ اثر مشترک خود «جرم شناسی
 و علم اداره زندانها» که به سال ۱۹۷۶ منتشر
 کرده اند کاهش تعداد صغار زیر ۲۱ سال را
 که بر طبق قانون ۴ ژوئن ۱۹۷۰ مشمول
 اقدامات پرورشی شده اند به این شرح آورده اند:
 در سال ۱۹۷۱ به ۷۷۳۰۶ نفر - در سال
 ۱۹۷۲ به ۶۴۰۸۱ نفر و در سال ۱۹۷۳ به
 ۶۲۹۱۹ نفر تقلیل یافته است. در زمینه کمی
 در ۸ کشور (اتریش، فرانسه، یونان، ایتالیا،
 نروژ، هلند، جمهوری فدرال آلمان و
 انگلستان) در پایان مخاصمات، کاهش در
 بزهکاری نوجوانان پدید آمد که این کاستی
 در بعضی از کشورها بسیار کند صورت گرفت.
 امروزه تمام آن کشورها با سوجی نواز بزهکاری
 روبرو هستند بدان سان که نسبت بزهکاری
 نوجوانان به تبهکاری سایر گروههای سنی در
 بعضی از این کشورها بسیار آشفته انگیز است.
 به عکس، در عوض، بزهکاری نوجوانان در
 دو کشور بلژیک و دانمارک پس از پایان جنگ
 سرتیاً قوس نزولی را طی میکنند و انقطاعی در
 کاهش آن روی نداده است.
 مسأله اعجاب انگیز، وضع دو کشور

سوئد و ترکیه است. با اینکه این دو کشور
 به هنگام جنگ بی طرف مانده بودند معهداً
 افزایش بی تناسبی در بزهکاری نوجوانان دو
 کشور پدید آمده است و بزهکاری نوجوانان
 علی رغم تکمیل برنامه های پیشگیری و درمان
 همچنان قوس صعودی خود را طی میکند.

در زمینه کیفی، وضع بیشتر اضطراب انگیز
 است. در کشورهای اروپائی، افزایش تعداد
 جرائم ارتكابی نوجوانان علیه اسوال هنوز
 ادامه دارد؛ همچنین افزایش جرائم علیه
 اشخاص، جرائم جنسی، همجنس بازی و
 فحشای دختران و پسران بسیار چشمگیر است
 به ویژه هنگامیکه اشکال نوینی در بزهکاری
 نوجوانان پدیدارگشت (مانند سرقت اتومبیل
 و دوچرخه های سوتوردار) فعالیت های باند (۴)
 و هتک ناموسهای جمعی شدت یافت (۵)

از این داده ها پیداست که تغییراتی بر
 اضطراب در زمینه کمی و کیفی بزهکاری
 نوجوانان پدیدار شده و تازه این نگرانیها مربوط
 به کشورهای است که دارای سیستمی نوین
 در پیشگیری و درمان بزهکاری نوجوانان
 میباشند.

بزهکاری نوجوانان و پیشگیری کیفی -
 تکمیل سیاست پیشگیری از بزهکاری نوجوانان
 از یک سو، در مقابل افزایش رفت انگیز
 بزهکاری نوجوانان، موجب پیدایش این
 اندیشه گردید که آیا سیستم کنونی محکوم به
 شکست است؟ به بیان دیگر، آیا رابطه علیت
 بین این دو پدیده وجود دارد؟
 از نقطه نظر پیشگیری کیفی، جا دارد

این سؤال مطرح شود:
 آیا گرایش به درمان نوجوانان بزهکار
 به وسیله اقدامات غیر کیفی، موجب افزایش
 بزهکاری آنان گردیده است؟
 آیا تلطیف رژیم مربوط به صغار، موجب
 تجری آنان در بزهکاری گردید؟

آیا همانگونه که طرفداران مکتب کلاسیک حقوق کیفری باور دارند حذف کیفر موجب گردید تا درس عبرتی برای دیگران باقی نماند؟ شاید این پرسشهای مقدر این فکر را در آقای لویز- ری برانگیخت که سیستم کنونی محکوم به شکست و ناکامی است.

آقای لویز-ری مأسورت داشت اصل ناسازگاری جوانان را بررسی کند. وی میکوشد تا تعریف روشن و دقیق برای بزهکاری نوجوان بیابد. از خلال این کلام او «مادام که تئوری آنارشیک در ناسازگاری نوجوانان استیلاء دارد، پیشگیری و درمان چیزی که مردم جهان از طبع دقیق آن بی‌خبرند فوق‌العاده دشوار خواهد بود.» آقای بی‌ناتل حدس سیزند که وی به عقیده کهن باور دارد که کیفر در زمینه پیشگیری عمومی مؤثر است (۶)

علت اینکه لویز-ری اندیشه خود را پیش از این صریحاً اعلام نداشته است احتمالاً این است که از زمان فری به بعد جهان به این نکته پی برده است که افسزایش تبهکاری ارتباطی با کیفر ندارد. این قضیه را وضع جهانی فرانسه از فردای روز رهایی خود از اشتغال نظامی آلمان نازی برای یک بار دیگر ثابت کرده است (۷)

اسروزه هر محقق دست اندر کاری باور دارد که هیچ رابطه علیت بین افزایش بزهکاری نوجوانان و ملایمت رژیم صفار وجود ندارد.

بی‌ناتل مانند دیگر جرم‌شناسان به اصلاح و بهبود سیاست کیفری اعتقاد ندارد و اصولاً آنرا در تبهکاری عمومی یا بزهکاری نوجوانان بی‌تأثیر میداند و در این باره به یاد مذاکرات نخستین کنگره بین‌المللی جرم‌شناسی (روم - سال ۱۹۳۸) می‌افند که اولوف کین برگک استاد سوئدی در آنجا خاطر نشان میکرد: سطح پدیده جنائی در کشورش در این دوره

بسیار پائین است و آنرا ناشی از حسن تدبیر و سیاست عالی جنائی مورد تعقیب کشور خود میدانست. این سیاست جنائی از سال ۱۹۳۸ به بعد ظاهراً در سوئد روبه‌کمال سیرفت و با وجود این تحول اضطراب‌آوری در آن دیار پدیدار گشت. بنابراین نه فقط پدیده جنائی مستقل از کیفر تغییر مییابد بلکه تغییرات پدیده جنائی هم تابع مجموعه سیاست جنائی نیست (۸) بزهکاری نوجوانان و پیشگیری اجتماعی - اعتقاد عمومی بر این است که تشدید سیاست و گسترش برنامه‌های پیش‌بینی اجتماعی به ذاته مناسبترین راه حل برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان است. گزارش کمیته اروپائی نشان میدهد که در اغلب کشورها، اقدامات اجتماعی به‌طور کلی به‌صورت مجموعه‌ای از مقررات تعرضی و دفاعی به‌منظور نجات و حفظ ثبات زندگی خانوادگی و تأمین اعتلاء و پرورش و رشد هم‌آهنگ و همه‌جانبه استعدادهای کودکان است.

در این دورنما ممکنست گواهی پیش از ازدواج، تأسیس درمانگاههای ویژه برای زنان باردار و ایجاد زایشگاهها و درمانگاههای ویژه نوزادان، برقراری کمک هزینه خانوادگی و بالا بردن دوران تحصیلی (فرانسه، جمهوری آلمان فدرال و انگلستان دوران تحصیلی را تا

۱۶ سالگی بالا بردند) و سیاست کار برای همه را به عنوان نمونه خاطر نشان ساخت.

در برابر افزایش بزهکاری نوجوانان این مسأله قابل طرح است: آیا این مقررات مناسب بوده‌اند؟

باید دید نتیجه این اقدامات چه بوده است؟ مشاهدات روزمره نشان میدهد با وجود تدابیر مفید اجتماعی که به کار رفته است معهذاً بزهکاری نوجوانان متوجه جهتی خطرناکتر از گذشته گردید و اقدامات سودمند اجتماعی مانع از گسترش مخاطرات بزهکاری نوجوانان نگردید.

آقای بی نائل مرقوم داشته اند «بدون اینکه دلیل علمی در دست داشته باشیم - زیرا متأسفانه تحقیقاتی در این زمینه به عمل نیامده است - ما قبول داریم که سیاست بهداشتی و اجتماعی که در فرانسه پس از رهائی این کشور از چنگال نازیها تعقیب گردید تا حد وسیعی گسترش بزهکاری نوجوانان را مهار کرده است و اگر چنین سیاستی مورد عنایت قرار نمیگرفت بزهکاری نوجوانان گسترش فوق العاده خطرناکتر مییافت» (۹) همین محقق اضافه مینماید :

«به فرض اینکه توسعه و تغییرات بزهکاری نوجوانان تا حدودی مهار شده باشد باز میتوان شکست نسبی سیستم کنونی پیشگیری اجتماعی را پذیرفت . دلایل این شکست نسبی به نظر ما در این است که در حقیقت سیاست پیشگیری اجتماعی روی یک شالوده خیلی کلی تنظیم شده و موضوعات وسیع تری را مورد توجه قرار داده که اختصاص به سیاست پیشگیری از بزهکاری نوجوانان نداشته است و برنامه های اختصاصی برای نیل به این هدف تنظیم نگردیده است .

پس شایسته است در چهار چوب جرم شناسی ، تحقیقاتی به مقیاس یک جامعه کلی ، درباره عواملی که در بزهکاری نوجوانان مؤثر است به عمل آید . چون سازمان علمی واحدی در جرم شناسی وجود ندارد ، اینگونه تحقیقات به صورت پراکنده و جدای از یکدیگر صورت گرفته است . شایستگی کمیته اروپائی در این است که کوشید تا بر پایه انتشارات جدید خود چند عامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان اروپائی را بشناسد .

در میان عواملی که جنبه جمیت شناسی دارد ، کمیته اروپائی خاطر نشان میسازد که تنزل سن بلوغ قطع نگردد . مثلاً در انگلستان هرچهل سال ، یکسال از رسیدن به سن بلوغ کاسته شد و بر اثر این واقعه بحران دوران

شیاب زودتر از موقع پدیدار میشود . یک عدم تعادل بین رشد و بلوغ بدنی و پختگی روانی از آن ناشی میشود که این امر یکی از اوصاف مشخص نوجوانان بزهکار است (۱۰) تحقیقات فیزیولوژی اعصاب نشان داده است که شباهت بسیاری بین الکتروانسفالو گرام های نوجوانان بزهکار و کودکان کم سن و سال وجود دارد . مسأله خطرناک این است که در بعضی از کشورها ، نرخ باوری در میان افراد کم هوش تر و ناسازگارتر به مراتب بالاتر است . باید پیشرفتهای دانش پزشکی را نیز در نظر داشت که سرگه و سیر کودکان را کاهش داده و میدهد و این امر قهراً افزایش تعداد کودکان دشوار را در پی دارد .

درباره عوامل اجتماعی ، از مقایسه دو کشور بلژیک و دانمارک که بزهکاری نوجوانان در آن دو کشور در سطح پائینی قرار دارد نتایج منفی به دست آمده است : حجم بیکاری در بلژیک از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۶ تنزل یافته و حال آنکه در دانمارک در طی همین دوره افزایش پیدا کرده است .

همچنین نرخ طلاق در دانمارک نسبت به هر کشور عضو شورای اروپائی خیلی بالاتر است و حال آنکه در بلژیک این نرخ خیلی ضعیف است (۸٪ طلاق در بین هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر سکنه) (۱۱) (۱۴۶ طلاق برای هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر سکنه) به طوریکه ملاحظه میشود طلاق در دانمارک بیش از سه برابر طلاق در بلژیک است و خانواده های دانمارکی بیش از خانواده های بلژیکی در معرض خطر از هم پاشیدگی قرار دارند .

در تحقیقات کمیته اروپائی ، اسری که فوق العاده چشمگیر و ظاهراً برخلاف انتظار است اینکه :

«بهبود وضع اقتصاد عمومی لزوماً کاهش بزهکاری نوجوانان را در پی نداشته است .»



که بگوئیم اقدامات پیشگیری اجتماعی ، بنا برتجارب حاصله کافی نیست .

گزارش براین امر تأکید دارد که وفور کار موجب گردید که مادران نیز به کار روآورند وفور کار، دستمزدی بالا برای جوانانی که چنسدان برای زندگی مستقل آماده نمی‌نشدند تأمین کرده است .

از چندین تحقیقی که در انگلستان به عمل آمده چنین برمیآید که نرخ بزهکاری در شهرک‌های جدید بیشتر است تا در خانه‌های کثیف محله‌های قدیمی .

بالاخره ، گزارش کمیته اروپائی از روی یک نوع بی‌نظمی و آشفتگی در برابر تحولات سریع جامعه معاصر و مسائل جدیدی که در زمینه بزهکاری نوجوانان طرح کرده است پرده برمی‌دارد . (۱۱)

در چنین شرایطی ، جای تعجب نیست

- 1 - M. LOPEZ - REY; La prévention et le traitement de la délinquance juvénile. Tendances internationales d'aujourd'hui, Revue internationale de criminologie et de police technique, jan.-Mars 1959. p. 3 à 15.
- (*) - Sous - Comité de la Délinquance Juvénile du Comité Européen des Problèmes Criminels.
- 2 - J. CHAZAL; L'enfance délinquante, P.U.F. 1967. p. 6.
- 3 - Ibid. p. 7.
- 4 - P. CECCALDI; Le phénomène des bandes, Revue pénitentiaire, 1961, p. 368 à 409.
- 5 - P. CRESPIY; L'aspect sociologique du viol en réunion, Revue de science criminelle, 1965, p. 837 à 861.
- 6 - J. PINATEL; Criminologie, Paris, 1975, p. 248.
- 7 - J. PINATEL; L'évolution de la criminalité en France depuis la liberation, Revue de science criminelle, 1954, p. 157 à 167.
- 8 - J. PINATEL, ouv. cit. p. 248.
- 9 - Ibid. p. 249.
- 10 - P. GRAPIN; Anthropologie et délinquance juvénile, Revue de science criminelle, 1966, p. 601 à 617.
- 11 - E. MORIN, Adolescents in transistion, Revue française de sociologie, ,VII 1966, p. 435 à 455.